

verrückt لغت شب Wort der Nacht

verrückt یک صفت می باشد

دیوانه ، آشفته ، شوریده ، مجنون ، جنون آمیز ، دیوانه وار

verrückte Ideen

ایده های دیوانه وار

Verrückte Einfälle

پیشنهادهای دیوانه وار

Ein verrückter Kerl

یک نوجوان دیوانه . یک نوجوان مجنون

Sie hatte Angst, verrückt zu werden

او می ترسید ، دیوانه شود

Es hat die ganze Nacht wie verrückt geregnet

باران تمام شب را دیوانه وار (با شدت) می بارید.

Bist du verrückt geworden?

قاطی کردی ؟ دیوانه شدی ؟

اصلا تو میدونی چی داری میگی و چکار داری میکنی؟

حروف اضافه ای که می تواند به همراه verrückt بیایند nach, auf هستند.

در زبان فارسی معمولا می گوئیم من از دست تو دیوانه شدم یا به خاطر کاری که کردی دیوانه شدم. اما در زبان آلمانی این nach, auf هستند که می توانند جایگزین حروف های اضافه ما شوند.

Auf etwas verrückt sein

به خاطر چیزی دیوانه شدن

Nach etwas verrückt sein

به جهت چیزی مجنون شدن

(Auf jemanden verrückt sein (sehr verliebt in jemanden sein

به خاطر کسی دیوانه شدن (بیش از اندازه عاشق کسی شدن)

Nach jemandem verrückt sein

به جهت کسی مجنون و دیوانه شدن

تا حد جنون کسی را دوست داشتن

نکته : هرگاه از auf استفاده کردیم اسم بعد از آن باید به حالت Akkusativ برود و هرگاه از nach استفاده کردیم ، اسم بعد از

آن نیز باید به حالت Dativ برود ، همانند دو مثال بالا

Ich mache mich doch deswegen nicht verrückt

بنابراین من خودم را دیوانه نمی کنم.

به این دلیل خودم را از بین نمی برم.

موفق باشید. ?

? Viel Erfolg